

# پاسداشت زبان فارسی

## اشاره

در نشست این شماره از رشد زبان و ادب فارسی، که در بیستم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ در دانشگاه فرهنگیان تهران برگزار شد، با استادان و کارشناسان زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه در خصوص پاسداشت زبان فارسی به گفت‌وگو نشستیم. گفت‌وگو بر محور اهمیت و دلایل پاسداشت زبان فارسی، راه‌های حفظ و گسترش این زبان و نقش کتاب‌های درسی در این امر مهم بود. حاضران این نشست دکتر محمدرضا سنگری (سر دبیر مجله) و آقایان دکتر علی‌اکبر کمالی‌نهاد، دکتر حیدر قمری و دکتر علی دلیر (اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان)، بودند که به آسیب‌شناسی و بررسی ابعاد گوناگون این موضوع پرداختند و به پرسش‌هایی چون «چرا و چگونه باید زبان فارسی را حفظ کنیم؟ وزارت علوم، آموزش و پرورش، سازمان پژوهش، کتاب‌های درسی و دانشگاه فرهنگیان و معلمان چگونه می‌توانند به حفظ زبان فارسی کمک کنند؟ زبان و ادبیات فارسی چه ظرفیت‌ها و ویژگی‌هایی دارد؟ آیا زبان فارسی قابلیت تبدیل شدن به زبان علم را دارد؟ آیا تکیه بر دستور زبان فارسی واقعاً دانش‌آموزان را با این زبان آشنا می‌کند؟ و ...» پاسخ دادند. بی‌گمان دبیران و علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی از خواندن گزارش این میزگرد لذت خواهند برد.

علت تغییرات زیادی است که در زبان در نیم قرن اخیر اتفاق افتاده است. همین‌طور اگر مقاله‌ای را که پنجاه سال پیش به قلم استاد مجتبی مینوی نوشته شده با مقاله‌ای که امروز در همان موضوع نوشته شده مقایسه کنیم در می‌یابیم که چقدر واژه‌ها تغییر پیدا کرده‌اند. این حجم از تغییر هراس‌انگیز هم است. چون به قول یکی از شعرا واژه‌ها بی‌هیچ رخصت عبور مرزها را درمی‌نوردند و به مطبعه‌ها راه می‌یابند. الان ما در دهکده جهانی زندگی می‌کنیم که فاصله‌ها در آن برداشته شده است. لذا واژه‌های تازه به‌طور دائم وارد قلمرو زبان می‌شوند و آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

با این مقدمه، اولین پرسشی که در این جمع پیش روی ماست این است که ما برای حفظ زبان فارسی چه باید بکنیم و چگونه می‌توانیم این زبان را از آفت‌ها و آسیب‌ها حفظ کنیم؟ و از آنجا که گفت‌وگویی ما دارد در فضای آموزش و پرورش انجام می‌شود باید ببینیم که آموزش و پرورش در این زمینه چه وظیفه و مسئولیتی دارد؟ آیا کتاب‌ها و فضاهای آموزشی برای حفظ زبان فارسی افاقه می‌کند؟ سپس ببینیم که برای کمک به رشد زبان فارسی چه باید کرد. کتاب‌های درسی فارسی چگونه باید نوشته شوند که از آسیب در امان باشند و نسل نو هم آن‌ها را به خوبی بیاموزد. از دوستان خواهش می‌کنم نظراتشان را بفرمایند.

■ **محمدرضا سنگری:** در بحث پاسداشت زبان فارسی اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که زبان فارسی سازه هویت‌بخش ما ایرانیان است. یعنی اگر برای معرفی جامعه ایران بخواهیم چند عنصر و سازه را نام ببریم زبان یکی از مهم‌ترین آن عناصر است. زبان هم پل ارتباطی ما با همدیگر و هم پل پیوند نسل‌ها با یکدیگر است. همین زبان است که تراث یا میراث فرهنگی ما را از گذشته تا امروز حفظ کرده است. زبان تکیه‌گاه مطالعات متفاوت است. مثلاً زبان را از منظر زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و ... می‌توان بررسی کرد.

من برای «واژه» هجده ساحت قائلم و معتقدم که اگر این ساحت‌ها را نشناسیم نمی‌توانیم عنوان ادبیاتی به خود بگیریم. چون واژه تکیه‌گاه ادبیات است. زبان‌ها دائماً در حال تغییرند و شتاب تغییر زبان فارسی دست‌کم در پنجاه سال اخیر بیش از پانصد سال قبل از آن است. چون هم مرآورده‌ها و هم ابزارهای زبانی بیشتر از گذشته شده و زبان را به‌طور دائم در تغییر و تحول قرار داده است. فکر کنید که اگر یکی از استادان زبان و ادبیات فارسی را که در هشتاد سال پیش می‌زیسته در فضای امروز قرار دهند و مثلاً کتاب آرایه‌های ادبی ما را به او بدهند او با اصطلاحات تازه‌ای مواجه خواهد شد که ممکن است همه آن‌ها برایش غریب جلوه کند؛ و این به

● **حیدر قمری:** اولاً ما باید ببینیم که «مقوله آموزش» چگونه می‌تواند به حفظ زبان فارسی کمک کند. ثانیاً دانشگاه فرهنگیان و سازمان پژوهش هر دو مأموریت مشترکی دارند. به این صورت که سازمان پژوهش، برنامه و کتاب درسی را تولید می‌کند و دانشگاه فرهنگیان هم معلمان و مدرسان این منابع را تربیت می‌کند. لذا ما به

درسی تعریف کنیم. اطلاعاتی که کتاب درسی به دانش‌آموز می‌دهد باید نو و دست‌اول باشد. تعالیم اخلاقی در کتاب درسی باید غیرمستقیم باشد تا دانش‌آموز را نسبت به مسائل انسانی حساس کند. کتاب‌های درسی باید خصیصه‌های بلاغی و هنری و بیان‌های ممتاز و در عین حال متفاوتی داشته



**ما برای حفظ زبان فارسی چه باید بکنیم و چگونه می‌توانیم این زبان را از آفت‌ها و آسیب‌ها حفظ کنیم؟ و از آنجا که گفت‌وگوی ما دارد در فضای آموزش و پرورش انجام می‌شود باید ببینیم که آموزش و پرورش در این زمینه چه وظیفه و مسئولیتی دارد؟**

باشند. کتاب‌ها باید ساده باشند و با اقتضات زمان و سن مخاطب همخوانی داشته باشند. در متن کتاب درسی باید صداقت وجود داشته باشد. کتاب‌ها باید دست‌ورمند و در صورت لزوم بیان‌هایی داشته باشند و از زبان فارسی معیار برخوردار باشند. این‌ها را به‌طور مثال عرض کردم و گر نه حتماً خصیصه‌هایی فراتر از این‌ها برای تألیف کتاب درسی لازم است. اگر این مشکلات و نقایص کتاب‌های درسی را برطرف نکنیم و متن‌های جذاب در آن‌ها ننگنجانیم دانش‌آموزان خسته و دلزده می‌شوند و استقبال نمی‌کنند. مطلب دوم این است که در کتاب‌های درسی راهبردی برای واژه‌آموزی وجود ندارد. مثلاً باید مشخص شود که دانش‌آموزان در هر پایه در هر سال تحصیلی چه تعداد واژه جدید باید بیاموزند و این واژه‌ها کدامند. فاصله تکرار این واژه‌ها در درس‌ها چگونه باشد. این فاصله در درس‌ها و پایه‌های بعد چگونه باید باشد. این موضوعی است که در برنامه درسی زبان فارسی دیده نشده و شما آن را در برنامه‌های درسی دیگر به جز برنامه درسی زبان فارسی هم می‌توانید ببینید. موضوع مهم دیگری که باید در برنامه درسی بیشتر به آن توجه کنیم بحث ارزشیابی است. آموزش و ارزشیابی دو پایه یک نظام آموزشی هستند. باید به هر دو توجه کنیم؛ در حالی که در برنامه درسی و کتاب‌های موجود فقط به آموزش توجه شده. ما به معلم انشا نیاموخته‌ایم که

لحاظ سازمانی خویشاوندیم و مأموریت‌هایمان به هم نزدیک است. البته چند دستگاه دیگر هم هستند که در همین جهت قرار دارند و به ما کمک می‌کنند. ثالثاً در صورتی آموزش و پرورش پشتیبان زبان است که بتواند شهروندانی تربیت‌شده و آموزش‌دیده به جامعه تحویل بدهد. در این صورت شهروندان تربیت‌شده ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های زبان فارسی را بیشتر می‌فهمند و ارزش‌های زبانی را نادیده نمی‌انگارند. بنابراین آموزش و پرورش برای حفظ زبان فارسی بسیار مهم است و کسی که خودش آموزش‌دیده است قدر زبان فارسی را بیشتر می‌داند. پس در اینکه آموزش و پرورش برای حفظ زبان فارسی بسیار مهم است تردید نیست. در واقع نه فقط برنامه درسی بلکه کل نظام آموزش و پرورش برای حفظ این زبان مهم است. حال باید ببینیم که در این خصوص

آموزش و پرورش چه می‌تواند بکند. در ابتدا سازمان باید برنامه درسی آموزش زبان فارسی را تهیه کند. یعنی اولین مطلب این است که باید برنامه‌های پاکیزه برای آموزش زبان و ادب فارسی داشته باشیم. مثلاً در برنامه‌ریزی درسی موجود معیارهای عینی، دقیق و روشنی برای انتخاب متن کتاب درسی وجود ندارد. در اینکه چه متن‌هایی باید وارد کتاب درسی شوند ملاحظات زیادی وجود دارد؛ اما ملاحظات مهم‌تر دیگری هم هست. هر متنی شایسته گنجاندن شدن در کتاب درسی نیست و ما باید به‌طور روشن معیارهای انتخاب متن را در برنامه



دکتر محمدرضا سنگری

## سازمان باید برنامه درسی آموزش زبان فارسی را تهیه کند. یعنی اولین مطلب این است که باید برنامه‌ای پاکیزه برای آموزش زبان و ادب فارسی داشته باشیم

وقتی یک دانش‌آموز در کلاس انشایش را خواند چه مواردی را پایش کند و به دانش‌آموز نمره بدهد. و یا اگر دانش‌آموز متن فارسی پایه اول را در کلاس خواند معلم برای نمره دادن به او به چه مسائلی باید حساس باشد. مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی در برنامه درسی معیارهای ارزشیابی دقیقی لازم دارد. مهارت‌های زبانی، علوم ادبی و متون ادبی هر کدام به‌طور جداگانه نیاز به معیارهای ارزشیابی دارند. در آموزش و پرورش جای آن خالی است و در خارج از آموزش و پرورش هم به اندازه کافی روی آن کار نشده. در دانشگاه، دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی داریم اما دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی نداریم. تا وقتی که در کشوری دوره دکتری و انجمن و مجله علمی برای رشته یا حوزه‌ای ایجاد نشود آن رشته یا حوزه علمی رشد نمی‌کند. بنابراین وزارت علوم برای ارتقای آموزش زبان فارسی باید دوره‌های تحصیلات تکمیلی و دکتری دانش آن را گسترش دهد تا زمینه تشکیل مجله و انجمن علمی و پایان‌نامه و کارهای پژوهشی و رشد آن رشته فراهم شود.

■ **محمدرضا سنگری:** من می‌خواهم به مواردی اشاره کنم که فقر و فقدان در برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی مشهود است. مثلاً آیا تکیه بر دستور زبان فارسی واقعاً دانش‌آموزان را با زبان فارسی آشنا می‌کند؟ این را از این جهت می‌گویم که بیشتر کتاب‌ها و معلمان ما دستورمحورند و بیشتر قلمرو کاری و تکاپوی آموزشی آن‌ها به دستور زبان برمی‌گردد. باید ببینیم زبان فارسی چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا در مجموعه کتاب‌های درسی و دانشگاه فرهنگیان به این مسئله پرداخته شده است؟ اصلاً چرا باید زبان فارسی را پاس بداریم؟ چرا باید در حفظ و گسترش زبان فارسی بکوشیم؟ آیا در جهان امروز دیگر کشورها

هم برای حفظ زبان خود تلاش می‌کنند؟ و اگر جواب این سؤال مثبت است ما چگونه و چقدر می‌توانیم از تجربیات آن‌ها در حفظ زبان استفاده کنیم؟ تجربه دیگران چراغ راه ماست و هر کس خود را از تجربه دیگران بی‌نیاز ببیند پیشانگاهش تاریک و مبهم خواهد بود. این سخن حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: «مَنْ غَنَى عَنِ التَّجَارِبِ غَمِيٌّ عَنِ الْعَوَاقِبِ» کسی که تجربه‌ها را نبیند چشم‌اندازش تاریک خواهد بود. اگر بخواهیم ببینیم زیبایی و شیرینی و شهدآمیزی زبان فارسی در چیست: باید زبان عربی و انگلیسی را در کنار این زبان قرار بدهیم و اثبات کنیم که زبان فارسی از این دو زبان رساتر و شیرین‌تر است. مقام معظم رهبری هم - که اتفاقاً دیروز سالروز تشریف‌فرمایی‌شان به دانشگاه فرهنگیان بوده است - مدعی هستند که زبان فارسی از زبان عربی وسیع‌تر است. اگر بتوانیم توانا تر بودن زبان فارسی را نسبت به سایر زبان‌ها از جمله زبان انگلیسی ثابت کنیم، آن وقت سؤال بزرگ‌تری مطرح می‌شود و آن این است که آیا زبان فارسی می‌تواند زبان علم باشد؟ یعنی آیا همه علمی را که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود می‌توانیم با زبان فارسی آموزش بدهیم؟ در بعضی دانشگاه‌ها بعضی دروس مانند فیزیک، شیمی و پزشکی را به زبان انگلیسی تدریس می‌کنند. آیا زبان فارسی هم این ظرفیت و توانایی را دارد که زبان علم باشد؟

یکی از ظرفیت‌ها و تکیه‌گاه‌های زبان فارسی «وندی» بودن آن است؛ به این معنی که زبان فارسی با بهره‌گیری از وندها قدرت واژه‌سازی دارد. ظرفیت و تکیه‌گاه دوم زبان فارسی ترکیبی بودن آن است. گاهی ادیبان واژه می‌سازند و این واژه‌ها به زبان افزوده می‌شود. این دادوستد بین ادبیات و زبان فارسی به‌طور دائم وجود دارد. حال باید دید برای بارور کردن زبان چگونه می‌توانیم از این ظرفیت‌ها و تکیه‌گاه‌های زبانی استفاده کنیم. به علاوه ما گویش‌های زیادی داریم که برای ساختن واژه‌های جدید می‌توانند یاریگر ما باشند. در بعضی گویش‌ها واژه‌های کوتاه یک یا دو هجایی وجود دارد که می‌توان برای ساخت واژه‌های جدید از آن‌ها استفاده کرد. حال باید ببینیم زبان فارسی چه ظرفیت‌های دیگری دارد که از آن‌ها برای رشد و حفظ این زبان استفاده کنیم. چه کنیم که زبان فارسی پرچم افتخار و عزتمندی دانش‌آموزان ما باشد و دانش‌آموزان ما به دانستن آن افتخار کنند؟ همان‌طور که اگر زبان انگلیسی بلد باشند به آن افتخار می‌کنند. آیا



دکتر حیدر قمری

آیا دانشجویان آموزش زبان و ادبیات فارسی که بعدها به معلمان زبان و ادبیات فارسی تبدیل می‌شوند در هنگام تحصیل در دانشگاه واحدهای آموزش نثر ادبی و شعر و سبک‌شناسی و عروض و تاریخ ادبیات و دیگر جنبه‌های ادبیات را به صورت تخصصی گذرانده‌اند؟

نداشته‌اند. پس نیاز هست برای دیگر رشته‌ها هم این واحد را داشته باشیم. نکته سوم برداشتن نگاه کنکوری و حافظه‌محور از درس زبان و ادبیات فارسی است. دوستان من در دفتر تألیف کتب ابتدایی و متوسطه نظری تلاش کردند که کتاب نگارش اصلاً رویکرد سؤالی و ارزشیابی تستی و کنکوری نداشته باشد و معلم این درس فقط توانمندی نگارشی دانش‌آموز را تقویت کند و پیش ببرد. البته برداشتن این نگاه کنکوری نیاز به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت دارد. نکته بعدی توجه به ذائقه دانش‌آموز امروز است. دانش‌آموزی که برای چهل سال آینده دارد پرورش پیدا می‌کند قطعاً نگاهش با دانش‌آموز صد سال پیش متفاوت است. بنابراین علاقه و ذائقه آن دانش‌آموز را باید در کتاب درسی پیش‌بینی کنیم و رویکرد و محتوا و متون و اشعار و داستان‌ها و منابع آموزشی ما به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز به خواندن آن‌ها علاقه داشته باشد و بداند که در زندگی آینده‌اش کاربرد دارد. وقتی که ذائقه و علاقه دانش‌آموز مورد توجه قرار بگیرد قطعاً کمک می‌کند که دانش‌آموز این متن را با گوش جان بنیوشد و با طیب خاطر آن را حفاظت کند.

■ **محمد رضا سننگری:** گاهی تماشای اجزا ما را از تماشای کلیت آن موضوع باز می‌دارد. ما هم در کتاب‌های درسی آن قدر به اجزای زبان پرداخته‌ایم که کلیت زبان به فراموشی سپرده شده. «از کسی پرسیدند جنگل را می‌بینی؟ گفت درختان نمی‌گذارند جنگل را ببینیم»، که البته مطلب طنزی است؛ اما نشان‌دهنده همین موضوع است که توجه بیش از اندازه به اجزای یک چیز، مانع تماشای کل آن چیز است. زبان فارسی چه گذشته‌های داشته است؟ در کتاب ارزشمند سه جلدی «تاریخ زبان فارسی» تألیف دکتر

در برنامه آموزشی دانشگاه فرهنگیان هم می‌شود پیشنهاد سرفصل‌های جدیدی را داد؟

● **علی اکبر کمالی‌نهاد:** گام اول آموزش و پرورش و معلمان و استادان زبان و ادب فارسی در این راه این است که با بهره‌گیری از سرچشمه‌های اصیل زبان و ادب فارسی اهمیت این زبان را بشناسانند، که این کار نیاز به دانش و مطالعه و تبحر و بیان نیک و تجربه و توانایی معلمان و استادان و توانمندی انتقال آن ارزش‌ها به دانش‌آموز دارد. این یک نکته.

نکته دوم این است که به حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌هایمان کم پرداخته‌ایم. مواعی چون فقدان تحصیلات تکمیلی و کمبود پژوهش و سرفصل‌های دانشگاهی و ... در این حوزه، که دیگر دوستان هم اشاره کردند، باید برطرف شود. می‌پرسم آیا دانشجویان آموزش زبان و ادبیات فارسی که بعدها به معلمان زبان و ادبیات فارسی تبدیل می‌شوند در هنگام تحصیل در دانشگاه واحدهای آموزش نثر ادبی و شعر و سبک‌شناسی و عروض و تاریخ ادبیات و دیگر جنبه‌های ادبیات را به صورت تخصصی گذرانده‌اند؟ البته این موارد در رشته ادبیات هست اما در رشته آموزش ادبیات نیست چون دیرینگی «رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی» به یک دهه هم نمی‌رسد. حتی تخصص این گرایش را در دوره دکتری نداریم. وقتی هنوز در هیچ گرایشی از زبان و ادبیات فارسی، رشته‌ای به نام «آموزش مهارت‌های زبانی و سخن‌گفتن و خواندن و نوشتن» نداریم چگونه می‌خواهیم معلمانی را پرورش دهیم که توانایی کافی و دقیق در آموزش رشته زبان و ادبیات فارسی داشته باشند؟ شاید در حوزه زبانی کمی بیشتر کار شده باشد اما در حوزه ادبی و در سرفصل‌ها و منابع اصلاً کار نشده یا بسیار ضعیف کار شده است. در ابتدای عرائضم گفتم که ما باید معلمان را به انگیزه‌دهی مجهز کنیم که به دانش‌آموز خود درباره اهمیت ادبیات باور بدهد. حالا اگر دانشجویان ما مهارت خوب سخن‌گفتن و زبان‌آموزی لازم را ندیده باشند بعداً نمی‌توانند مبلغ‌ها و منتقل‌کننده‌های خوب و کاملی باشند. پس باید روی سرفصل‌ها و منابع و نگارش و درست خواندن شعر و نثر کار کرد. البته این فقط محدود به معلمان ادبیات نمی‌شود و معلمان آداب و ادبیات دیگر هم می‌توانند در این دایره بگنجانند. مثلاً آیا معلمان جغرافی و ریاضی و علوم و فیزیک و زیست و سایر رشته‌ها مهارت سخن‌گفتن و خوب بیان کردن را به صورت یک واحد آموزشی داشته‌اند؟ قطعاً



دکتر علی اکبر کمالی نهاد

**باید متخصصان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در کنار طراحان و برنامه‌ریزان کتاب درسی باشند تا بتوانیم الگوی مناسبی را از کتاب درسی برای دانش آموز ارائه و تألیف کنیم**

پرویز نائل خانلری، تاریخ تحولات زبان فارسی مطرح شده است. حوزه جغرافیایی زبان فارسی هم بسیار گسترده بوده. حتی در آن سوی دریاها در چین هم شعر سعدی را می‌خواندند. حافظ هم می‌گوید شعر من به بنگاله رفته است. تأثیر ادبیات فارسی بر سرزمین‌های مجاور و حتی دور بر کسی پوشیده نیست. مثلاً در استانبول آثار زیادی از زبان فارسی و اشعار و کتیبه‌ها وجود دارد که تازه بسیاری از آن‌ها هم از بین رفته است. یا حتی در چین واژه‌های فارسی هم به کار می‌برند. من در چین مزار بازرگانی ایرانی را دیدم که با زبان فارسی روی سنگ قبر او نوشته شده بود. همچنین در قبرس و هند و پاکستان و بوسنی هم زبان فارسی رایج بوده. پس چرا زبان فارسی که روزگاری گستره جغرافیایی آن وسیع بود امروزه افول کرده و محدود شده است؟ چگونه می‌توانیم دوباره عظمت و شکوه زبان فارسی را به جهان برگردانیم؟ این سؤال‌ها زیرمجموعه همان سؤال اول است که چگونه می‌توانیم زبان فارسی را حفظ کنیم و گسترش بدهیم.

آسیب‌هایی که زبان فارسی را تهدید می‌کند، نکته بسیار مهم دیگری است که در کتاب‌های جدید درسی هم به آن پرداخته شده، گرچه صرفاً تعدادی واژه یا معادل‌ها و برابر نهاده‌های فرهنگستان را مطرح کرده و به آسیب‌های دیگر پرداخته نشده است. ریشه یکی دیگر از آسیب‌های نگارشی زبان فارسی همین پیامک‌ها و فضای مجازی است. در پیامک‌ها تغییر و شکستگی‌هایی در ساختار و نوشتار واژه‌ها ایجاد می‌شود که به زبان فارسی آسیب می‌زند. «مثلاً نوشتن ۲ آ به جای دعا»، صدها اشتباه فاحش املايي وجود دارد که ریشه آن‌ها همین پیامک‌های فضای مجازی است. معلم می‌تواند به‌عنوان موضوع انشا از دانش‌آموز بخواهد که یک پیامک زیبا و بدون اشتباه نگارشی بنویسد. پس با استفاده از فضای مجازی هم

معلم می‌تواند معنای جدیدی به انشا بدهد. می‌دانید که امروزه بسیاری از کتاب‌ها به‌صورت مجازی هستند و ما می‌توانیم در فضای مجازی آن‌ها را ورق بزنیم و آن‌ها را مطالعه کنیم. البته بدون شنیدن صدایی از جنس ورق زدن که یکی از دلنشین‌ترین موسیقی‌های دنیاست! جیرجیر صدای قلم که در گذشته هنگام نوشتن به گوش می‌رسید هم امروزه تبدیل به صدای تایپ شده. موسیقی سخن و خط عوض شده و معنای خط و نگارش تغییر یافته و باید ببینیم در این شتاب تحولات فضای مجازی چگونه باید زبان فارسی را حفظ کنیم. با توجه به تأثیر فضای مجازی بر نگارش و زبان توجه ما به فضای مجازی در برنامه درسی چگونه و به چه اندازه باید باشد؟ پرسش‌هایی از این دست، اگر مطرح شود در کل برنامه درسی مؤثر خواهد بود و برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی از لون دیگر خواهد شد. آسیب‌های دیگر هم وجود دارد. مثلاً آسیبی که ترجمه و گرت‌برداری و برابر نهاده‌های فرهنگستان و رسانه ملی می‌تواند به زبان فارسی وارد کند و ... که هر کدام جای بحث و بررسی بسیار دارد.

● **علی دلیر:** با توجه به گستردگی زبان غیرممکن است طی یک جلسه بتوانیم به همه این پرسش‌ها پاسخ دهیم. برای رسیدن به نتیجه، این جلسات باید به‌طور مداوم و با یک طرح کارشناسی ادامه پیدا کند. در زمانی که ما در یک دهکده جهانی به سر می‌بریم اهمیت زبان بسیار درخور توجه است. اما قبل از اینکه درباره اهمیت زبان صحبت کنیم بهتر است درباره چیستی زبان سخن بگوییم؛ زیرا چیستی زبان می‌تواند اهمیت زبان را آشکار کند. پس چیستی زبان اهمیت زبان را تعیین می‌کند.

در دنیای امروز که زبان در حال تغییر و تحول بسیار است هنوز هم درصد بسیاری از مردم جامعه سنتی ما زبان را با دیدگاه سنتی خودش می‌فهمند. این گسستگی نسل‌ها از همین جا شروع می‌شود. یعنی آنچه از زبان در اندیشه من هست همان چیزی نیست که در دیدگاه نسل جدید وجود دارد. بنابراین وقتی موضوع آموزش زبان مطرح می‌شود سه‌گانه معلم، کتاب درسی و دانش‌آموز را تعریف می‌کنیم. در آموزش معلمان به دلیل نگرش سنتی معلم به زبان، اساساً خود معلم حتی در دوره ابتدایی هم شناخت درست و دقیق و کاملی از زبان ندارد و در نتیجه نمی‌تواند با دانش‌آموزی ارتباط برقرار کند که زبان را به گونه دیگری می‌بیند. پس ما باید این گسستگی ارتباط در آموزش را ترمیم کنیم. یکی از دلایل عدم



دکتر علی دلیر

**امروزه باید ببینیم  
وقتی کودک  
هفت‌ساله امروز  
به‌خاطر شرایط  
کرونا از تبلت  
استفاده می‌کند و  
فارغ از کلاس با  
دوستش ارتباط  
برقرار می‌کند  
چطور و چه مطالبی  
را می‌نویسد؟**

■ **محمدرضا سننگری:** آیا امروزه که فاصله دو نسل کمتر از پانزده سال است پژوهش روشنی درباره آنچه دانش‌آموزان می‌نویسند و اینکه چگونه و چه می‌نویسند و چطور با هم‌سن‌وسال‌هایشان سخن می‌گویند انجام شده است؟ این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند در کتاب‌های درسی مؤثر باشد. امروزه باید ببینیم وقتی کودک هفت‌ساله امروز به‌خاطر شرایط کرونا از تبلت استفاده می‌کند و فارغ از کلاس با دوستش ارتباط برقرار می‌کند چطور و چه مطالبی را می‌نویسد؟ باید ببینیم نوع سلام و احوال‌پرسی و تعارف‌های ما که متعلق به چند نسل قبل هستیم با تعارفات کودکان و دانش‌آموزان امروز چه تفاوت‌هایی دارد. دانستن اینکه نسل امروز در هنگام صحبت کردن چه کلمه‌هایی را به کار می‌برند برای اینکه بدانیم در فضای آموزشی چگونه باید با آن‌ها صحبت کنیم و روابط خود را با آن‌ها تصحیح کنیم بسیار مهم است. اما متأسفانه در این زمینه‌ها کار نشده است. ما در تألیف کتاب‌های درسی ابتکار و خلاقیتی به نام «درس آزاد» را طرح کردیم که برای نخستین بار در آموزش اتفاق افتاده و در هیچ جای جهان نیست. در آغاز جریان شکل‌گیری کتاب‌های جدید، از دوره متوسطه اول، درس آزاد را مطرح کردیم که خود دانش‌آموزان آن را بنویسند. حتی می‌توانند به گویش محلی خودشان بنویسند. گویش‌ها که شاخه‌هایی از زبان اصلی هستند و اکنون در حال اضمحلال‌اند و شاید تا دو سه دهه دیگر بسیاری از این گویش‌ها از میان بروند. یک روز در فرهنگستان از دکتر علی اشرف صادقی شنیدم که گفت آخرین گویشور از فلان منطقه فوت کرد. در بیشتر مناطق ایران با وجود گویش‌های مختلفی که دارند به فرزندان خود زبان فارسی معیار را می‌آموزند. معلمان آن مناطق نیز به زبان فارسی حرف می‌زنند و برنامه‌های تلویزیونی آن مناطق هم به زبان فارسی معیار است. بنابراین به تدریج این گویش‌ها که بخشی از هویت زبان فارسی است می‌میرند.

توجه به مهارت‌های زبانی توسط معلم این است که خود معلم در همان چپستی زبان باقی مانده است و تمایزی بین زبان و گفتار و نوشتار قائل نیست و حتی گاهی زبان را خط تعریف می‌کند! تا وقتی که معلم در این مرحله مانده باشد در آموزش زبان موفق نخواهیم بود و این مشکلات را خواهیم داشت.

به عقیده من کتاب‌های درسی هم یک طرح کلی و ساختار منسجم ندارد. مفاهیم گنجانده شده در کتاب‌های درسی خیلی مهم است. مثلاً مفهوم محبت به چه میزان در کتاب‌های درسی وارد شده است؟ حتی خود دانش‌آموز هم به‌عنوان مخاطب نادیده گرفته شده است. من معتقدم باید متخصصان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در کنار طراحان و برنامه‌ریزان کتاب درسی باشند تا بتوانیم الگوی مناسبی را از کتاب درسی برای دانش‌آموز ارائه و تألیف کنیم. اهمیت زبان فارسی از همان دوران ابتدایی باید در وجود دانش‌آموز نهادینه شود. چون در دوره‌های بعدی دیگر دیر است.

گویش‌ها و لهجه‌ها هم طی فرایندی می‌توانند به کمک زبان بیایند و مانند جویبارهایی به دریای زبان معیار بپیوندند. فعل‌های پیشوندی هم که در گویش‌ها و لهجه‌ها به وفور یافت می‌شوند بر زبان فارسی تأثیر زیادی می‌گذارند و بسیار پرکاربردند. امروزه در زبان فارسی معیار از فعل‌های پیشوندی بسیار اندکی بهره برده‌ایم. یا مثلاً وندها که مانند فعل‌های پیشوندی در فارسی معیار اندک و در گویش‌ها بسیار زیاد به کار می‌روند. در مقابل تأثیر ترجمه باعث شده که بیشتر از فعل‌های مرکب استفاده کنیم تا فعل‌های پیشوندی.

چون حوزه فعالیت‌های انسان در دهه‌های اخیر قابل‌قیاس با حوزه فعالیت‌های انسان در قرن‌های گذشته نیست. آنچه باید مورد توجه ما و استادان دانشگاه و فرهنگستان باشد کاربرد و کارکرد زبان و ادبیات فارسی در زمان فعلی است. کاربرد زبان و ادبیات نسبت به زمان گذشته بسیار گسترده‌تر شده و ما باید نسبت به کارکرد امروزی زبان و ادبیات برنامه‌ریزی کنیم.

آخرین مورد اینکه در حوزه واژه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین واحدهای زبانی و چگونگی ساخت واژه، با توجه به تجارب عینی، این‌طور به نظر می‌رسد که توجه چندانی به دیگر واحدهای زبانی به جز واژه نشده است. این موضوع که زبان را فقط در دو واژه ببینیم باعث شده که در بخش ادبیات با مشکلاتی چون عدم درک صحیح آثار ادبی مواجه شویم.



در بحث مهم  
بودن زبان فارسی،  
این طور گفته شده  
که زبان فارسی  
یکی از چهار زبان  
کلاسیک دنیاست؛  
یعنی در کنار زبان  
لاتین، سانسکریت  
و زبان یونانی قرار  
می‌گیرد

● **حیدر قمری:** زبان علاوه بر اینکه وسیله ارتباطی است نشانه هویت ما هم هست. با به‌کارگیری زبان یک ملت به سطح فرهنگی و عقلانیت و فکری و آگاهی آن ملت پی می‌بریم. وقتی سعدی می‌گوید: «همه‌کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال» این گفته عقلانیت ملت ما را نشان می‌دهد. حتی نگاه انسانی ما هم در بسیاری از متون و تمدن و فرهنگ ما دیده می‌شود. و یا بیت:

«بکوشید و خوبی به‌کار آورید

چو دیدید سرما بهار آورید»

مبتین رأفت مندرج در فرهنگ ماست.

در بحث مهم بودن زبان فارسی، این‌طور گفته شده که زبان فارسی یکی از چهار زبان کلاسیک دنیاست؛ یعنی در کنار زبان لاتین، سانسکریت و زبان یونانی قرار می‌گیرد و میراث مهم ادبی بشری است که در هزاره اخیر تغییرات زیادی نکرده است. تعداد زیاد کشورهایی که پسوند «ستان» دارند (اسم مکان فارسی) نشان‌دهنده اهمیت زبان فارسی در این کشورهاست. مانند هندوستان، تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، پاکستان، ارمنستان، گرجستان و کشورهای بدون پسوند «ستان» هستند اما نام آن‌ها فارسی است مانند آذربایجان و ایروان. این موضوع نشان می‌دهد که زبان فارسی در منطقه وسیعی از دنیا رایج بوده. زبانی که صدویست میلیون گویشور دارد. از بین هفت هزار زبان زنده‌ای که در دنیا وجود دارد کمتر کشوری است که مانند زبان فارسی شاهکارهای بی‌بدیل جهانی خلق کرده باشد. پس با توجه به اهمیت زیادی که زبان فارسی دارد باید وزن بیشتری به آن بدهیم. در برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی باید نسبت به سایر رشته‌ها بهای بیشتری به زبان فارسی بدهیم. چون این زبان مربوط به هویت ماست و حتی موفقیت تحصیلی ما در دیگر رشته‌ها هم به میزان آگاهی ما از زبان فارسی بستگی دارد. کسی که خواندن و نوشتن ضعیفی دارد نمی‌تواند فیزیک‌دان یا حقوق‌دان خوبی باشد. آموزش و پرورش و سازمان پژوهش برای این منظور باید بهترین‌ها را به‌کار بگیرد.

● **علی‌اکبر کمالی‌نهاد:** جنبه‌ها و دریچه‌های ورود آسیب‌ها همیشه قابل بررسی و رصد کردن نیست. ما نمی‌توانیم همه آسیب‌ها را بشناسیم و در پی مقابله با آن‌ها برآییم. مثلاً امروزه با وجود پیشرفت علم و

تکنولوژی، به دلیل ضعف و عدم تسلط ما به تکنولوژی، زبان فارسی نتوانسته قابلیت تبدیل شدن به زبان علم را پیدا کند و یا حداقل این موضوع یکی از دلایل آن است. یعنی دهکده جهانی آن قدر دست‌های زیادی در تولید علم پیدا کرده که ما نمی‌توانیم روی همه آن‌ها اسم فارسی بگذاریم چون غیرفارسی‌زبانان آن را تولید کرده‌اند. یکی از آسیب‌های موجود دیگر که در بلندمدت به زبان ما آسیب می‌زنند و باید با آن‌ها برخورد کنیم فضای مجازی است. نسل جدید ما کوتاه و شکسته و بی‌قاعده و ناستورمند می‌نویسد و این موضوع به سبک نوشتار زبان فارسی آسیب خواهد زد. این رفتارهای نوشتاری دانش‌آموزان که هیچ مهارت هم روی آن نیست بعد از مدتی به سبک نوشتاری آن‌ها تبدیل می‌شود. من از همان ابتدای سال به دانشجویانم می‌گویم که وقتی در فضای مجازی از من سؤال می‌پرسند باید قواعد نوشتاری زبان را رعایت کنند. در نوشتن تکالیف هم از آن‌ها می‌خواهم که حداقل‌های نگارشی را رعایت کنند.

نکته دیگر درباره مکاتبات اداری مانند حکم‌ها و ابلاغ‌های اداری و تقدیرنامه‌ها و ... است که متأسفانه سلامت زبانی در آن‌ها حفظ نمی‌شود. پژوهش‌هایی که روی نهادها و سازمان‌های اداری صورت گرفته نیز این مطلب را تأیید می‌کند. عدم نظارت و نبود یک شیوه‌نامه نگارشی برای ادارات باعث ناهمگونی و بی‌قاعدگی مکاتبات اداری شده است. متأسفانه بسیاری از نامه‌های اداری دارای اشتباهات املائی و نگارشی و حشو بسیار است. بی‌دقتی و نداشتن نظارت مستمر بر مکاتبات و نبود آموزش ضمن خدمت برای کارکنان ادارات از دلایل وجود این اشتباهات است. همچنین وجود تفاخر و فضل‌فروشی در متن این نامه‌ها و مکتوبات باعث به‌کارگیری اصطلاحات نامناسب (مانند ایفاد می‌گردد و امر به ابتیاع شود و ...) در آن‌ها می‌شود.

مورد آخر وجود ناهماهنگی در زبان نوشتاری کتاب‌های درسی است. وجود زبان همسان و هماهنگ در نگارش کلیه کتاب‌های درسی لازم است. اما در کتاب‌های درسی غیرحوزه زبان و ادبیات فارسی دقت لازم در زبان نوشتاری کتاب وجود ندارد. یعنی مثلاً موارد نگارشی که در کتاب نگارش توضیح داده شده در کتاب‌های فیزیک و شیمی و باغبانی و ریخته‌گری و ... رعایت نمی‌شود.

■ **محمد رضا سنگری:** از همه دوستان متشکرم و امیدوارم ادامه این بحث را در جلسات آینده پی بگیریم.